مباحث مرتبط با سرمایه‌های انسانی سازمان(37)

مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (Corporate Social Responsibility)

قسمت (3)

در این شماره می‌خواهیم در خصوص مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها صحبت کنیم، زیرا که این جنبه آنقدر اهمیت دارد که اگر به آن توجه نگردد آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و ... وسیعی را به دنبال دارد. می‌توان بیان نمود که از سال 1950 تقریبا این مفهوم اهمیت بیشتری پیدا کرد و اگر چه از سال ها پیش این بحث مطرح گردیده و به طور مثال هنری فورد در سال 1917 با تعیین یک هدف اجتماعی و با نگاه مسئولیت اجتماعی شرکت فورد را مطرح نمود و بعد از هنری فورد نوه او ادامه دهنده همین دیدگاه گردید، او بیان می کند که شرکت فورد در پی این است که با استفاده از روش های مبتکرانه به منظور استفاده بهتر و لذتبخش‌تر مصرف‌کنندگان و در عین حال ایجاد سود بیشتر برای سهامداران، در مسیری پیش خواهد رفت که جهان را تبدیل به مکان بهتری نماید. در واقع او نگاهی آرمانگرایانه و وسیعی را ترسیم نمود و با بیان تبدیل دنیا به مکانی بهتر اشاره به مسئولیت اجتماعی شرکت فورد و توجه به همه جنبه‌های جامعه جهانی نمود. در این میان ناون بعنوان یک نظریه‌پرداز تعریف روشنی را از این مفهوم ارائه می‌نماید:" الزام اجتماعی برای پیگیری سیاست‌ها در جهت انجام تصمیم‌گیری‌ها و همچنین پیگیری اقداماتی در جهت تامین اهداف و ارزش‌های مطلوب جامعه". (1)

به روشنی می‌توان بیان نمود که آن جا که سازمان‌ها؛ خود را جدا از جامعه تصور نکرده و تمام اقدامات خود را تاثیرگذار بر جامعه بدانند به مسئولیت اجتماعی خود آگاهی کامل دارند. از 1950 مفاهیمی همچون عملکرد اجتماعی شرکت ها، مسئولیت زیست محیطی شرکت ها، اخلاقیات کسب و کار شرکت ها، حقوق شهروندی شرکت ها و ... توسط نظریه‌پردازان مختلف و حتی برخی افرادی که در پروسه کسب و کار فعالیت می‌نموده اند، مطرح گردید. کارول نیز در سال 1979 بیان می‌نماید که آنجا که سازمان‌ها با رسالت‌ها و وظایف مختلف، به چیزی بیشتر از نقش خود فکر می‌کنند و عملکرد، رفتار و اندیشه های فرانقشی دارند به این منظور است که آن ها به جایگاه رویکرد اختیاری و وظیفه‌ای خود عمل می‌نمایند و آن را در بهبود زندگی افراد جامعه موثر می‌دانند و ایجاد اثر عمومی مثبت برایشان از ارزش والایی برخوردار می باشد.

پس می‌توان بیان نمود که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اشاره به ارتباط آن‌ها با جامعه محلی دارد و جنبه‌های مختلف از جمله محیط زیستی، فرهنگی، اجتماعی و ...حضور خود را و تعامل با جامعه محلی را مد نظر قرار می‌دهند و احساس مسئولیت می‌نمایند، آنان دیگر همانند گذشته خود را جدای از محیط اطراف نمی‌پندارند و به تاثیرات حضور خود در بین کارکنان، خانواده‌های آنان، مردم و محیطی که در آن مکان زیست می‌کنند، مسئول می‌دانند و کنشگرانه تلاش می‌نمایند که حضورشان در آن فضا همراه با توجه، عدالت محیط زیستی، قوانین و مقرارت، هنجارها و ارزش‌های جامعه محلی باشد. در واقع می‌توان بیان نمود که یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع، میزان مشارکت و نیز احساس مسئولیت در آن

جامعه در سطوح مختلف می باشد و به هر میزان که این شاخص رقم بالاتری داشته باشد، آن کشور در زمره کشورهای توسعه یافته قرار خواهد گرفت و در واقع این امر نشانگر این می‌باشد که تا چه میزان مردم به آگاهی و خرد جمعی دست یافته‌اند و از منافع فردی خود عبور می‌نمایند و منفعت جامعه بعنوان ارزشی والا تلقی می‌گردد. " مسئولیت اجتماعی شرکت ها، به عنوان تعهد یک فرد یا سازمان نسبت به قالب جامعه درک می شود که مردم را نیز مانند محیط فیزیکی در بر می‌گیرد زمانی که پیامدهای انجام فعالیت‌های آن‌ها، تنها خودشان را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد".(2)

کارول نیزیکی از کسانی می‌باشد که در این زمینه نظریات ارزشمندی را ارائه نموده است. او بیان می دارد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شامل 4 بخش می‌باشد؛ اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه. " در این مدل و هرمی که او ترسیم می‌نماید "مسئولیت‌های اقتصادی از مسئولیت‌های اصلی سازمان و همان سودآوری است، مسئولیت‌های قانونی به این اشاره می نماید که سازمان باید در چارچوب قوانین و مقرارت جامع فعالیت اقتصادی خود را انجام دهد. سومین مسئولیت شرکت‌ها مسئولیت اخلاقی است که بر اساس آن از شرکت‌ها انتظار می‌رود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مدنظر داشته باشند و به آن‌ها احترام بگذارند و در نهایت مسئولیت‌های بشردوستانه به فعالیت‌های داوطلبانه شرکت‌ها اشاره دارد". (3)

حال سوال اینجاست:

آیا دانشگاه علوم پزشکی نیز در این پروسه دخیل می باشد، بدون هر گونه اغراق باید اذعان نمود که دانشگاه علوم پزشکی در راستای رسالتش مجبور به تعامل با فضای اطراف می باشد و به واسطه تحت پوشش داشتن مراکز درمان، بهداشت و آموزش و تعامل اجتماعی با شهروندان باید به این مولفه مهم اجتماعی یعنی مسئولیت اجتماعیش توجه و در این راستا برنامه ریزی نماید. می توان این سوال‌ها را به طور مختصر در این زمینه مطرح نمود:

آیا واحدهای سازمانی ما به تاثیری که بر مردم محلی می گذارند، واقفند و در این راستا برنامه‌های مدون دارند؟

آیا واحدهای ما به هنجارها و ارزش‌های مردم محلی احترام می گذارند و در این راستا از نظر خبرگان و معتمدین محلی استفاده می نمایند؟

آیا واحدهای سازمانی ما خروجی‌هایش را رصد می‌نمایند و عملکرد خود را مورد بررسی و در صورت نیاز به هر گونه اصلاح، در این راستا اقدام می نمایند؟ این خروجی‌ها می‌تواند دانش‌آموختگان، کادرهای فنی، مجوزهایی که صادر می گردد و حتی زباله‌های آلوده مثلا زباله‌های آلوده بیمارستانی باشد.

آیا در ارائه خدمات و برنامه‌های مرتبط با شهروندان و یا فعالیت‌هایی که مرتبط با محیط زیست می باشد، از مردم و خبرگان اجتماعی و محیط زیستی بهره می‌بریم؟

آیا سازمان ما برای خانواده‌های کارکنان و جلب نظر آنان در برنامه‌های مختلف و ارائه آموزش‌های مرتبط با جنبه‌های مختلف سلامت، گام بر می دارد؟

آیا در تدوین برنامه‌های کلان دانشگاه به جنبه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی نظر افکنده می شود؟

آیا ... .

منابع:

1-پور فتحی، نغمه. "مدیریت مسئولیت های اجتماعی" از مجموعه مقالات کنفرانس ملی فرهنگ سازمانی با رویکرد توسعه، نشریه علمی پژوهش و اطلاع رسانی مدیریت (ویژه نامه کنفرانس ملی فرهنگ سازمانی): شماره 190، فروردین و اردیبهشت 1396، صص 59-51.

2-قاسمی حسین آبادی، فائزه. "مسدولیت اجتماعی شرکت ها و نحوه سنجش آن"، دو ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، سال اول، شماره دو، اسفند 1395، صص 54-43.

3-حبیبی، نوید، وطیفه دوست، حسین وجعفری، پریوش."مولفه های ارتقای مسئولیت اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی"، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره 22، شماره 2، 1395، صص135-125.

دفتر مطالعات معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی قزوین

شهریور ماه 1398